

باغستان

کندوکاوی در قلمرو تعلیم و تربیت

انتخاب و ترجمه:

دکتر محمد نعمانی



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۴۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	: نعمانی، محمد، ۱۳۴۵-، گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور	: باغستان: کندوکاوی در قلمرو تعلیم و تربیت/ انتخاب و ترجمه محمد نعمانی.
مشخصات نشر	: تهران : آوای نور، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: (ج مصور(رنگی)): ۱۴/۱۴×۵/۲۱×۵/۵س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۹۹۷-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: کندوکاوی در قلمرو تعلیم و تربیت.
موضوع	: آموزش و پرورش -- مقاله‌ها و خطابه‌ها Education -- Addresses, essays, lectures آموزش و پرورش -- فلسفه -- مقاله‌ها و خطابه‌ها Education -- Philosophy -- Addresses, essays, lectures
رده بندی کنگره	: ۴۱LB
رده بندی دیویی	: ۱/۳۷۰
شماره کتابشناسی	: ۹۴۰۰۷۰۳

باغستان

کندوکاوی در قلمرو تعلیم و تربیت

انتخاب و ترجمه: دکتر محمد نعمانی

ناشر: آوای نور

چاپ: اول ۱۴۰۲

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۹۹۷-۵



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری،

پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

قیمت ۳۰۰۰۰۰ تومان

همه حقوق برای مترجم محفوظ است.

فهرست مطالب

سخن آغازین از مترجم.....	۹
فصل ۱: تعلیم و تربیت ، حقیّ انسانی در قرن ۲۱.....	۲۵
آموزش ، حقیّ انسانی	۲۹
زمینه اجتماعی آموزش برای همه افراد واجد شرائط	۴۲
نتیجه‌گیری	۵۰
منابع	۵۳
فصل ۲: خردمندی و فرهنگ.....	۵۷
تعریف خردمندی	۵۹
خرد ، سنگ‌بنای سنتّ فرهنگی	۶۱
فلسفه غرب	۶۳
فلسفه غیر غربی	۶۶
نظرات عمومی در مورد خردمندی	۶۹
مطالعات تجربی در فرهنگ‌های غربی	۷۰
نگاهی به فرهنگ‌های غیر غربی و مقایسه‌ای بین فرهنگی	۷۴
نظریات عموم در مورد توسعه خرد	۷۷
نظرات مختلف راجع به راهبرهای تقویت عقل و خرد	۷۸
فراتر از باورها : چگونه متغیری می‌تواند انعکاسی از خردمندی باشد ؟	۸۰
سلوک خردمندان در زمینه‌ای چندفرهنگی	۸۳
شناخت‌های خردمحور در انواع فرهنگ‌ها	۸۳
شناخت خردمحور در خرده‌فرهنگ‌ها	۸۶
فراتر از شناخت : معنا و ابراز و تنظیم عواطف خردمندان و خصوصیات اجتماعی در	
فرهنگ‌های مختلف	۸۸

۸۹ تصویری که فرهنگ‌ها از تنظیم عواطف و احساسات دارند
۹۲ معنای شخصیت در فرهنگ‌های مختلف
۹۴ نتیجه‌گیری
۹۵ منابع

فصل ۳: تعالی ۱۰۹

۱۱۳ « تعالی » یعنی چه ؟
۱۱۵ (۱) ورزش ، تحصیلات و علم‌آموزی و فعالیت‌های هنری
۱۱۸ (۲) یادگرفتن ماجراجویی
۱۱۹ (۳) کنار گذاشتن تعصب و نگرش‌های قالبی
۱۲۴ (۴) گریز از رنج
۱۲۸ (۵) به اشتراک‌گزاردن تجارب رازآلود
۱۳۴ (۶) داشتن آگاهی نامعمول

فصل ۴: تربیت ، اخلاق و مذهب ۱۴۳

۱۴۳ مقدمه
۱۴۴ اخلاق و تربیت
۱۴۹ تربیت اخلاقی
۱۵۴ تدریس و تربیت اخلاقی
۱۵۷ مذهب و تربیت
۱۶۱ تعلیم و تربیت دینی
۱۶۳ نتیجه‌گیری
۱۶۴ پیشنهادهاتی برای مطالعه بیشتر

فصل ۵: فلسفه اجتماعی تعلیم و تربیت ۱۶۵

۱۶۵ مقدمه
۱۶۷ برابری و تعلیم و تربیت
۱۷۲ آزادی و تعلیم و تربیت

۱۷۸	مردم‌سالاری و تعلیم و تربیت
۱۸۵	۵ نتیجه‌گیری
۱۸۶	پیشنهاداتی برای مطالعهٔ بیشتر

فصل ۶: پائولو فریره و فلسفهٔ تربیتی رهایی‌بخش ۱۸۹

۱۸۹	مقدمه : مبارزات انقلابی
۱۹۳	تبارشناسی فلسفی فریره
۲۰۰	انتقاد فریره از آموزش به شیوهٔ بانکی
۲۰۵	ندای وجودی فریره برای آزادی
۲۱۱	میراث فریره

فصل ۷: جهان ما ؛ دیدگاه هانا آرنت در مورد تعلیم و تربیت..... ۲۱۳

۲۱۵	لایه‌های انسان‌شناسی
۲۲۰	آشناسازی کودکان و جوانان با جهان
۲۲۴	تعلیم و تربیت در فضای درون مدرسه
۲۲۹	نتیجه : پرکردن شکاف میان گذشته و آینده
۲۳۰	منابع

فصل ۸: آیندهٔ یادگیری ۱ ۲۳۳

۲۳۳	چکیده
۲۳۴	بازتعریف محتوا و شیوه‌های یادگیری در قرن ۲۱
۲۳۹	عوامل تغییر
۲۳۹	صلاحیت‌هایی تازه برای جهانی پیچیده
۲۴۰	خصوصیات متحول یادگیرندگان
۲۴۱	بی‌قیدی جوانان و ترک زود هنگام مدرسه
۲۴۴	تغییر برداشت‌ها در مورد ارزش آموزش رسمی
۲۴۵	کمبود مهارت
۲۴۸	روندهای بازار کار
۲۴۹	تغییر الگوهای یادگیری و آموزش

۲۵۰.....	در دسترس بودن رسانه‌های جدید و سایر ابزارهای یادگیری
۲۵۳.....	فن‌آوری‌های همراه
۲۵۸.....	رسانه‌های غنی
۲۵۹.....	احکام و الزامات ارزیابی و مسئولیت‌پذیری
۲۶۰.....	در دسترس بودن یادگیری در هر زمان و در هر جا
۲۶۲.....	رشد تصاعدی اطلاعات
۲۶۲.....	انتقال و هدایت یادگیرندگان از موقعیت مصرف‌کننده محتوا به تولیدکننده آن
۲۶۵.....	کلام پایانی
۲۶۸.....	منابع

فصل ۹: آینده یادگیری ۲ ۲۷۷

۲۷۷.....	چکیده
۲۷۸.....	مقدمه
۲۸۰.....	یادگیری قرن ۲۱ در چشم‌اندازی کلی
۲۸۹.....	یادگیری برای دانستن
۲۹۰.....	یادگیری برای اقدام
۲۹۰.....	تفکر نقادانه
۲۹۲.....	حل مسئله
۲۹۳.....	ارتباط و همکاری
۲۹۶.....	خلاقیت و نوآوری
۲۹۷.....	اطلاعات، رسانه و آشنایی با فن‌آوری
۲۹۸.....	اطلاعات، ارتباطات و سواد رسانه‌ای (فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات)
۲۹۹.....	یادگیری برای بودن
۲۹۹.....	مهارت‌های اجتماعی و بین‌فرهنگی
۳۰۰.....	مسئولیت شخصی، خودنظم‌دهی و ابتکار عمل
۳۰۲.....	مهارت‌های معناپردازی
۳۰۲.....	مهارت‌های فراشناختی
۳۰۳.....	مهارت‌های تفکر کارآفرینانه
۳۰۴.....	یادگیری برای یادگرفتن و برخورداری از عادت یادگیری مادام‌العمر

۳۰۵.....	یادگیری برای همزیستی
۳۰۵.....	ارزش گونه‌گونی و تنوع
۳۰۶.....	کار گروهی و ارتباط متقابل
۳۰۷.....	شهروندی مدنی و دیجیتال
۳۰۸.....	توانمندی و صلاحیت جهانی
۳۰۸.....	شایستگی و صلاحیت بین‌فرهنگی
۳۰۹.....	نتیجه‌گیری ، مراحل بعدی و موضوعات آتی
۳۱۳.....	منابع

فصل ۱۰: واکاوی خلاقیت..... ۳۲۳

۳۲۳.....	تعریف خلاقیت
۳۲۴.....	چهار پی (P) خلاقیت
۳۲۶.....	خلاقیت تاریخی در برابر خلاقیت شخصی
۳۲۷.....	خلاقیت در مقابل اکتشاف و اختراع
۳۲۷.....	پیش‌زمینه نظری
۳۲۷.....	تصورات اولیه
۳۲۹.....	رویکردهای شناختی
۳۳۲.....	رویکردهای روان‌سنجی
۳۳۳.....	رویکردهای تحولی و شخصیت
۳۳۴.....	رویکردهای اجتماعی و فرهنگی
۳۳۵.....	مطالعات موردی
۳۳۶.....	رویکردهای بالینی
۳۳۷.....	رویکردهای زیستی
۳۴۰.....	رویکردهای تکاملی
۳۴۲.....	رویکردهای محاسباتی
۳۴۳.....	موضوعات و مسائل آزاد
۳۴۳.....	سهم نسبی عوامل تخصص ، شانس ، و شهود
۳۴۴.....	برتری نسبی « فرآیند » نسبت به « فرآورده »
۳۴۵.....	آیا خلاقیت ، قلمرویی عمومی است یا اختصاصی ؟

- ۳۴۷..... آیا خلاقیت ، ابعادی تاریک و تیره دارد ؟
- ۳۴۷..... رابطهٔ بین خلاقیت و هوش
- ۳۴۸..... درس‌های خلاقیت برای نظریه‌پردازی ، سیاست‌گذاری و عمل
- ۳۴۹..... نتیجه‌گیری و مسیرهای آینده
- ۳۵۰..... منابع

سخن آغازین از مترجم

افسوس بر این همه خواب‌آلودگی

یخ‌فروشی بود در وقت تموز	که بشد در کار در گرمای روز
می‌زد او فریاد از ژرفای حلق	مشتری‌اش تا بگردد فوج خلق
التفاتش سوی یخ‌هایش نبود	که شده ز آنها روان آبی چو رود
مردمانش می‌گذشتند و دریغ	داشتند از خرقه‌ای کآورده تیغ
مر نداند او که یخ را شمس داغ	پرت می‌سازد ز احوال فراغ
ابلهی اینگونه را سهمی مباد	جز ز خسران و ضرر در بار و زاد
عاقلی گر تو یخ جان را گریز	ده ز گرمای غُفول پُر ستیز
چه پناهی به ز جایی زمهریر	در زمین امن دادار نصیر

شاید با خواندن و شنیدن این حکایت و امثال آن کسی ناباورانه بپرسد که چطور می‌شود شخصی اینقدر احمقانه رفتار کند و بسا عاملان اینگونه اعمال را نیز به سخره بگیرد. لیکن هزاران افسوس و حسرت که غافلیم خود در مقاطع و موارد بسیاری از زندگی، چنین احوال یا بدتر از آن را با کردارمان نشان می‌دهیم، و بدبختانه و مفلوکانه سپس کوشیده تا کاستی‌ها و ناراستی‌ها را به نحوی کتمان یا توجیه نموده، از پی ترمیم نیز برنیائیم!

آه که جاه و جایگه‌مان را فراموشیده و از یاد برده‌ایم که انسان کامل، زبدهٔ مُلک، عصاره ملکوت و ثمرهٔ شجرهٔ کائنات است که تاج اصطفاء بر سرش نهاده و خلعت اجتناب بر جانش افکنده‌اند. آفریده‌ای بر صورت خالق و ملبسی به لباس احسن تقویم که بر اورنگ کرامت، سریر خلافت و مسند امانت‌داری جلوس دارد. قلبش، مجلای تابش انوار حقیقت جاودانی و جانش مجرای آوای عزت سرمدی است. آفرینش وی، برپایی نمایشگاهی از هنر آفرینی خلاقانه و محیرالعقول کِلک سحرآمیز نقاش ازل

و ابد است که صفات کمال بحت را در آینهٔ ضمیرش مُتجَلّی ساخت و جلال نَحْت را بر قامت وجودش مُتَحَلّی گردانید .

بدانیم

« آنکه که به تعلیم و تربیت امروزش نیندیشد ، فردا سوگمندانه بر فاقه و فلاکت خود خواهد گریست »

شاید شما زمانی در مدرسه ، دانشگاه ، خانه یا جایی دیگر از خود پرسیده باشید که چرا باید این مطالب را بیاموزم ؟ این آموخته‌ها کی و چطور به کارم می‌آیند ؟ آیا نباید محتوای درسی و مطالعاتی انتزاعی و آموزش‌ها به مسائل محیط واقعی ، بزرگتر و چالش‌انگیزتر خارج از مراکز و مؤسسات آموزشی و تربیتی مربوط باشد ، شرائط زندگی را به شایستگی متأثر ساخته و مسیر فعالیت و تلاش مثبت آتی و خشنودی از تحصیلات و آثار آن را هموار سازد ؟



آموختن و آموزاندنِ حقیقی ، واقعیاتی عزیز و هزیمت‌ناپذیرند که به رغم همهٔ شدائد ، آثار مثبت و ماندگاری دارند . پروریدگی ، طریق دل‌سپاری آدمی به طنین ترنم جانفزای عندلیب معناست . حکایتی پویاست برای غوطه‌ور شدن شجاعانه در ژرفای سپهر متحرک ، تزریق فرهنگ تقلاً در آوردگاه شکوفایی آگاهی و اراده و تلاًؤ فرزاندگی . آنچه که مصالح و مقابح را تشریح ، حضور در میادین امداد خالصانه و تفاهم مجدانه را تبلیغ و سرمایه‌گذاری صادقانه در عرصهٔ بلوغ خدمات عمومی و افزایش تحرک فراخور اجتماعی را ترویج می‌کند. یاری می‌دهد تا هنجارهای اخلاقی و پرورش حس زیباشناختی تعمیم یافته و قیام اوصاف محمود تحکیم پذیرد . احترام و التزام نسبت به سنت طبیعت نضج گیرد و نفس نفس قدسی نشأت‌گرفته از کَمیل قادر و جمیل باهر در شریان اجزاء عالم و آدم جریان یابد . لوازم سازمندی با مقررات متقن فرهنگِ احیاء روح و وفاداری به تمامیت حیات را آموزانده شده و بن‌مایهٔ عشق و استحکام روحیهٔ رفق در رگ روانِ جامعهٔ انسانی تزریق گردد .



روشن است که آدمی یادگیرنده‌ای طبیعی است که می‌تواند کنجکاو، دقت، انعطاف‌پذیری و نیروی اکتشاف، ابداع و آفرینشگری خویش را در راه شناسایی دنیای درون و پیرامون، تدارک سبک‌های متعدد زیست و طراحی انگاره‌های تفکر و اقدامات برانزده صرف و اداره کند.

حال انسان امروز با ظرفیت جسمانی و روانی عظیم و در عین حال شکننده و آسیب‌پذیر خود در دنیایی بحران‌زده، خودویرانگر و عجولی بسر می‌برد که هجوم امواج تنوع و تکثر و ناپایداری و تازگی‌ها احاطه‌اش کرده‌اند. جهانی جهل‌آلود انباشته از وارونه‌سازی‌ها و مناقشات اخلاقی، چالش‌های فکری و از خودبیگانگی که عاجز از درک و پیش‌بینی پیامدهای فاجعه‌بار تصمیمات ناسنجیده‌اش، در تولید نامتوازن ثروت و نامتعادل قدرت سر از پا نمی‌شناسد. خطر سرکوبی میراث معنوی و زوال هویت انسانی هر روز جهان ما را بیشتر تهدید می‌کند و استیلای هوس و بی‌رمق‌ترشدن تدریجی تعهدات اخلاقی و فکری نتیجه‌ای جز انحلال هستهٔ عقلانیت و استقرار کانون حماقت ندارد.

در این مقطع، شالوده‌های خویش‌شناسی و خودیابی سست شده، جنگ فرهنگی پیکانش را به جانب تکذیب و تحریف واقعیات از کمان رها ساخته و یورش تکاپوی ناراست رسانه‌ها و ایستگاه‌های خبری و منابع اطلاعاتی و تبلیغاتی ناموزون، به جانب تضعیف و تعجیز سرشت صداقت و راستی معطوف گشته است آنگونه که هر روز شاهد ازدیاد فزایندهٔ تحمیل هنجارها و زبان و رهیافت‌های ناصدق از مجاری جوراجور به جوهر پاک فرهنگ و زندگی عمومی هستیم. از علم و نظریات و دستاوردهایش، مستقل از آموزه‌های اخلاقی و الهی، به عنوان ابزار سلطه و تداوم روند استثمار و سنت‌گریزی استفاده می‌شود و عرفی‌شدن

اعتقادات و ارزش‌ها، نابودی بیش از پیش تحرک بینش فکری و نوسازی فرهنگی را به همراه دارد. هنجارهای عقلانی و اخلاقی رو به اضمحلالند و تعهدات انسانی و پیش‌شرط‌های سلامت علی‌الدوام رنگ می‌بازند. قداست و وحدت تشکیکی هستی را نادیده انگاشته، سنن و توقعات آن را پشت گوش انداخته‌ایم.

طبیعتاً در این جهان پُرتحولِ گیج‌کننده پُرآفت، داشتن ارتباطی باثبات و کارساز با اشیاء، افراد، افکار و سازمان‌ها، گرچه لازم و سزااست، کاری پیچیده و صعب است که همه به دشواری تبیین و پیش‌بینی دگردیسی در ساختارها و انگاره‌ها و پیامدهای مربوط بدان اذعان دارند. بسط و تعدد نیازها و تخصصی‌شدن مشاغل و حوزه‌های عملیات فردی و جمعی و تولید و کاربست گسترده و روزافزون کالاها و خدمات، قرین با چالش‌ها و مطالباتی است که عدم مدیریت بهینه و سازمند آنها موجب لطماتی مادی و غیرمادی می‌شود.

از آنجا که هر انسانی موجودی منحصربفرد است، هر یادگیرنده‌ای نیازها و ظرفیت‌های ویژه خود را دارد که باید توسط خانواده‌ها و افراد کارشناس و مراکز باتجربه ارزیابی و شناسایی شده، در جهت پویایی و خودباوری، کسب دانش‌ها و مهارت‌های بایسته و سرانجام سازماندهی و مدیریت احتیاجات فردی و جمعی به کار آفتند.

دغدغهٔ تعلیم و تربیت معاصر باید تدوین چهارچوبی اساسی برای تدریس، انتقال مطالب، یادگیری و پرورش همه‌جانبهٔ استعداد‌های یادگیرندگان و اتصال و انسجام بازده و فرآورده‌های حاصل با شاخص‌ها و انتظارات عینی دوران زیست باشد. چشم‌انداز جامعهٔ بشری آن است که همهٔ مؤسسات به ارزش و ضرورت آموزش واقف شده و فارغ‌التحصیلان و خصوصاً نخبگان مراکز تحصیلی و تعلیمی در بازتولید هوشمندانه و

استعمال کارآمد ذخائر و انباشته‌های نظری و عملی برای تجربه زندگی‌ای معنادار در حدّ خویش توفیق داشته باشند و بتوانند در میدان تحویل و جابجایی مرزهای ترقّی و تحکیم معیارها و دستاوردهای عدالت و صلح فراگیر و امنیّت و پایدار حضور یابند .

اصولاً همه جوامع در تمامی اعصار به آموزش و تربیت توانمند نیازی عاجل و مستمر دارند تا زیرساخت‌های مهم را تدارک دیده ، مهارت‌های حیاتی (خودآگاهی ، کنجکاوی ، تصمیم‌گیری ، حل مسأله و استدلال منطقی ، استقلال و خودکفایی ، آشنایی با تکالیف و حقوق شهروندی ، انجام تعهدات اجتماعی و اخلاقی ، دگردیسی عاطفی و معنوی ، ...) را در اعضاء خود پرورانده و هدایت و آماده‌سازی آنان را بر حسب معیارها و مقتضیات مطلوب زمانه برای یک زندگی موفق و کامل دنبال کنند . به تعبیری ، تربیت و پرورش ، فرآیند تسهیل حصول اطلاعات ، تجارب و زبردستی‌های لازم و جدید ، آشنایی با ارزش‌ها و پوشش طریق رشد کامل (عقلانی ، عاطفی ، معنوی ، اجتماعی ، ...) در راستای اهداف مقبول و محبوب زندگی است ؛ جریان بیدارشدن و بیدارماندن و شخصیت‌پردازی و گستریدن همسازِ نفوذ شایان قوای روح و روان در عرصه‌های عدیده است ؛ روند کشف ، استخراج و پرورش تامّ و فراگیر قوای بشر است چنان که او بتواند به مسئولیّت‌های خویش به خوبی عمل نموده ، عناصر وجود خود و محیطش را تحت مهار ، سازماندهی ، هدایت و نظارت درآورد ؛ جریان‌ی که هر کدام از دنیاهای درون و برون و مناسبات و یکپارچگی میان آن دو را شکوفا و فعّال ساخته و برای تمامیّ حیات انسانی به حرکت وامی‌دارد ؛ بازسازی نظام‌مند و نوسازی منضبط و مستمر کنش‌ها و تجربیات است ؛ اهتمامی چندجانبه برای تغییر و تحوّل در جهت پاسخگویی مطلوب به توقعات زندگی و همنوایی با کلیّت هستی است ؛

هر تغییر مطلوب و زیننده و ماندگاری است که آدمی را از مراتب نازله وجودی (جمادی، نباتی، حیوانی) به سطوح نامحدود حقیقت انسانی سوق داده و آخر الامر رضایت و سعادت را به همراه دارد، و در نهایت تمامی کوشش‌ها و جوشش‌هایی که صورت می‌گیرد تا آدمی مستمراً به حقیقت لایزال تشبه یابد و سنن و ارزش‌های بنیادین حاکم بر اقدامات و برنامه‌های گوناگون در حیات انسانی را در کل ابعاد ملاحظه و پیاده نماید

پرورش و آموزش منظم، کارساز و سودبخش رمز ترقی، تکامل، تعالی و شاهراه نیل به مقاصد شایگان و آرمان‌های زیبا و جاودان زندگانی است. کمک می‌کند تا هر کس آزادانه و بارآده بفهمد، دریافت مقبولی از واقعیات پیشین، اکنون و آتی را به دست آورده، با کارآمدی و تسلط لازم در حیطه فعالیت خویش، نظم و قانون را فهمیده، عضو و شهروندی متعادل، مسئولیت‌پذیر و کامگار در جامعه محلی، ملی و بین‌المللی باشد. فرد تربیت‌یافته، قدرت جذب و انتشار طرح‌ها و افکار بدیع و مفید و کسب دانش و تجربه را دارد، برخوردار از رضایت حرفه‌ای و استقلال و امنیت مالی بوده، در شکل‌دادن مهارت‌ها و عادات مثبت خوب عمل نموده و از موقعیت و منابع موجود برای مدیریت شرائط و پیشینه‌سازی منافع مشروع فردی و جمعی بهره‌برداری می‌نماید.

تعلیم و تربیت، یک حق انسانی و محصولی جهانی است که افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها باید آن را بدون هیچگونه تبعیضی مورد توجه، تعهد و تمرکز داده، هر یک به سهم خویش در برابر آن پاسخگو باشند. بایستی آموزش باکیفیت در طول زندگی در دسترس همگان باشد و حال آنکه هنوز خیل کثیری از کودکان و نوجوانان در سرتاسر عالم به دلایل متعدد (فقر، جنگ، بیماری، تبعیض و نابرابری، بی‌ثباتی سیاسی،

بلائیای طبیعی...» از حداقل مهارت‌های خواندن و نوشتن و حساب کردن محرومند. اکنون تشدید نابرابری‌ها و شکاف‌ها در ظرفیت‌های دیجیتالی و مجازی، باعث شده تا فرصت‌های بسیاری از افراد برای پیشرفت یادگیری و گسترش مهارت‌ها محدود شوند. بدون آموزش و تربیت کیفی و هدفمند، نسل جوان با موانع معتناهایی برای اشتغال و داشتن درآمد کافی و ازدواج روبرو خواهند شد. همچنین از پیامدهای نامطلوب بیماری‌ها و اختلالات (روانی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی) رنج خواهند برد، مشارکت کم‌رنگ‌تری در صحنه تصمیم‌گیری‌های جمعی داشته و در برخورد با تهدیدات و آفات معمول و غیرمنتظره‌ی حال و تمهید اسباب رفاه و آینده‌ای بهتر، عملکردی ضعیف‌تری را از خود بروز خواهند داد.



شکل‌گیری « یونسکو »
 پس از جنگ جهانی دوم
 اساساً برای آن بود تا با
 چالش‌های جدید جهانی ()
 تهدیدات زیست‌محیطی ،
 درگیری‌ها و منازعات ،
 بی‌سوادی و فقدان مهارت‌های

لازم برای بقا و رشد و همزیستی، عمیق‌تر شدن نابرابری‌ها، انفلاب دیجیتالی، فقدان مردم‌سالاری، ...) مقابله کند، ظرفیت‌سازمانی و انسانی کشورها را توسعه دهد و بر میزان و منافع مراودات اطلاعاتی و همکاری‌های بین‌المللی بیفزاید. این سازمان با بازاندیشی نسبت به اقدامات، پیش‌بینی روند نیازهای نوظهور، تدوین چهارچوب‌های گوناگون قانونی و حقوقی و طراحی ابزارهای متعدد هنجاری و نظارتی (

پیمان‌نامه‌ها، گفتگوها و تبادل نظرها، پشتیبانی‌های فنی، مشاوره، ...)، تلاش می‌کند تا حق و کیفیت تحولات بزرگ فرهنگی و تربیتی برای آینده‌ای پایدار، امن و صلح‌آمیز را بررسی و تضمین نماید، برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت ملت‌ها و نهادها را برای ارتقاء آموزش و تسهیل یادگیری مادام‌العمر و تکمیلی و تربیت شهروندان جهانی خلاق و مسئولیت‌پذیر تحت هدایت و حمایت قرار دهد.

در واقع تعلیم و تربیت، به مثابه نوعی سرمایه‌گذاری چندوجهی جهانی و تاریخی با هویت متغیر، متحول و متنوع خویش، نیروی محرک تمام دگرگونی‌های بنیادی، وسیع و سازنده‌ای است که در هر عصر به وقوع می‌پیوندد. در حقیقت پرورش و آموزش نیروی اصلی تغییر زندگی و کلید قطعی تعادل سبک آن است. فرد و جماعتی که رنجور از سردرگمی، پریشانی هویتی و فقر فکری و فرهنگی است، آگاهی هدایتگر و روشن و انتخاب نو و مسئولانه‌ای نسبت به حقوق و تکالیفش در قبال خود، دیگران، جامعه و جهان به عنوان یک کل نداشته و بالطبع در جامعه جدید طرد خواهد شد. بالطبع نمی‌تواند توانایی‌ها و قابلیت‌های حداکثری خود را دریافته، فراتر از علائق و لذاتش حرکت کرده، در شادی و امنیت و رفاه راستین و مستمر عموم مردم نقشی ایفا کنند.

بیداری، تحرک، مقاومت و پیشرفت تنها با سلاح آموزش مستمر و ماهرانه حاصل و ضمانت می‌شود و سیر علم و پژوهش در قبال نیازهای متکثر فقط با آن پویندگی خواهد داشت. تبیین و تحقق آرمان‌ها در هر سطح، چهارچوب و موقعیتی با جهان‌بینی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد نظام‌های تربیتی پیوسته بدانها گره خورده و شاخص‌های سلامت فرد و جامعه جز از این طریق تبیین و تأمین نشده و تعمیم نخواهند یافت.

شبکه فرهنگ و پرورش در هر اجتماعی نسبت به ارزش‌ها و اولویت‌ها و حوزه‌های فکری آن بی‌تفاوت نیست و نظریات (علمی ، فلسفی ، تاریخی ، ...) و کارکردها (فنی و صنعتی ، هنری ، ...) متناسب با پیشینه‌های آئینی و عقلانی و اخلاقی پدید آمده و نقش‌آفرینی می‌کنند .

همه کارشناسان بصیر و انسان‌های روشن‌ضمیر معترفند که مراکز پرورشی ، آموزشی و فرهنگی مطمئن و قابل اعتماد (خانواده ، مدارس ، دانشگاه‌ها ، ...) ، محیط‌ها و وسائلی صرفاً مادی و کمی برای افزایش خام اطلاعات و توزیع و توسیع مفاهیم گسسته از واقعیات نیستند . آنها مسئولیت بزرگی دارند تا ارکان ، قوانین و آداب زیست را آموزانده ، دینفعان را با ویژگی‌ها و الگوهای رفتار مثبت آشنا سازند . مضافاً موقعیت‌های زندگی را برای ایشان تفسیر نموده و ضمن ترویج اندیشیدن نقاد و آفریننده و صداقت و محبت ، باعث شوند تا متربیان روابط اجتماعی ، نیازها و رفتارها و انتظارات را بهتر شناخته ، شایسته‌تر تصمیم گرفته و برنامه‌ریزی کنند . آنان قطعاً در چنین فضاهایی تشویق و برانگیخته می‌گردند تا خود و دنیا را به پشتوانه راهبردها و فنون سالم به سمت تغییرات مناسب‌تر برده ، در ایجاد و تعمیق شرائط انسانی و انسان‌دوستانه دخیل باشند .

تنها یک دستگاه فعال ، قوی و کاردان تربیتی از عهده پرورش انسان‌هایی متمدن ، متخلق ، پروریده و بالیده ، عزتمند و دارای اعتماد به نفس با ذهنی سنجشگر و روحیه‌ای آفرینشگر برمی‌آید . کسانی که مهارت‌های مشاهده ، درک مفاهیم و تجربیات و ارتباطی توسعه‌پذیر و ثمربخشی دارند ، از فرصت‌ها و ظرفیت‌های کمی و کیفی و عمومی و تخصصی آگاهند و سازندگی و آبادانی در هر برهه و در هر جا را به دور از جاه‌طلبی و کاهلی تعقیب می‌کنند . آنان از یادگیری و تحرکات

تحول آفرین خسته نمی‌شوند و در هجوم تغییرات زندگی جسورانه به پرورش ذهن و تصفیۀ روح و جان مشغولند. این گروه در رقابت با خود، فرصت‌ها و قدرت‌ها را مغتنم شمرده، چشم‌اندازهای لایق را برای کشف و ساخت راه‌های تازه و گره‌گشا با صداقت، علاقه و کنجکاوی شناسایی می‌نمایند.

اما یک نظام تربیتی زمانی قادر است به عنوان اساسی‌ترین ابزار توسعه و ترقی، با صلابتِ بایسته وارد میدان شده، مشعل‌دار طریقت انسانی و زندگی رشدیافته‌ای سعادت‌بخش باشد که بر مبانی و مبادی نظری و انسان‌شناختی استواری بنا شده، صفات حقیقی انسان اخلاقی، قانون‌مدار و هدف‌گرا را تشریح نماید، لوازم شکوفندگی جامعه‌ای پاک را توصیف کرده، و انگیزه‌ها و تعالیم مربوط را برای تحقق آرمان‌های متواپی و متعالی در اختیار جویندگان بگذارد. سازمان‌های تربیتی (مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، ...) و برنامه‌ریزان درسی موظفند تا برای بهبود کیفیت آموزشی، حفظ انسجام فکری، یکپارچگی اخلاقی و وحدت رویه اجتماع، جامعۀ منسجم و بهنجار بشری را توصیف کرده، لوازم ایجاد و استمرار وجود آن (قانون، عشق و مهرورزی، همدلی، همکاری، عدالت، صلح، امنیت ...) را معرفی نمایند. تشکیل رهیافتی فراذهنی و فرافرهنگی با غنا و قوتی سزاوار و ارتباط با دانشمندان و سیاستمداران و کارورزان خبره و ماهر در حیطه‌های مختلف، پوییش راه را آسان و امکان‌مهار و رفع حاجات و چالش‌های رنگارنگی را میسر می‌سازد که برخی از آنها عبارتند از:

- استفاده از منابع معرفتی متقنی (فلسفه، مذهب، اخلاق، علوم، ...)
 - برای تبیین و تفسیر مفهوم انسان و تربیت وی و ساختار مفاهیم و

اجزاء وابسته (هدف‌گزینی، تعیین ارزش‌ها، ...) و اصولی کلی و مبانی و نظریه‌پردازی سالم جهت یکپارچه‌سازی برنامه‌ها و راهکارها.

- همسویی روزافزون و پیوستهٔ مربیان و معلمان و خانواده‌ها و جامعه، و هم‌پیشگی و همفکری سیاستگذاران و رهبران و نهادها در سطوح منطقه‌ای، ملی و جهانی.

- مهار تمرکززدایی ناعادلانه از اقدامات و استقرار مؤسسات تربیتی و ارتقاء دسترسی به آموزش باکیفیت به ویژه در جوامع محروم و مناطق کم‌برخوردار و اهتمام جهت تأمین برابری و عدالت آموزشی و پیکار با نابرابری‌ها

- کمبود مربی و معلم و نیروی انسانی بصیر، پویا و کارآمد در مراکز تربیتی و علمی و تحصیلی



- ادغام فناوری
های جدید در کلاس
درس و سرعت
شتابنده‌تر
فناوری‌های پیشرفته
و دستگاه‌های
دیجیتالی (هوش
مصنوعی، آموزش

برخط، تلفن‌های هوشمند، لب‌تاپ‌ها، ...) نسبت به برنامهٔ درسی و جایگاه تعیین‌کنندهٔ آنها برای آماده‌سازی فرصت‌های خوب یادگیری در حیطه‌های گوناگون، حملات سایبری، و غیره.

- انطباق برنامه‌ها و محتوای آموزشی با درخواست‌های جهانی که به سرعت در حال تغییر است و انتظار تأمین مهارت‌ها و هماهنگی تعلیم با

تقاضاهای دوران جدید، توقعات یادگیرندگان و خانواده‌ها و مراکز شغلی و حرفه‌ای را دارد.

- تشخیص و تخصیص راهبردهای درخور برای بسط جذاب برنامه‌های درسی ترکیبی بر محور اولویت‌ها و مهارت‌های چندگانه (یادگیری مؤثر ، آموزش گروهی و مشارکتی ، خودشناسی و شناسایی موقعیت خود در زندگی ، رشد اخلاقی و معنوی ، فراخوانی استعدادها به جانب تجربیات صحیح و ضروری ، کارآفرینی و اشتغال و آمادگی حرفه‌ای برای ورود به بازار کار ، ...)

- بهداشت و سلامت روانی جمعیت دانش‌پژوه و یادگیرنده
- ارتقاء میزان مشارکت یادگیرندگان در کار برنامه‌ریزی ، اجرا ، نظارت و ارزشیابی در فرآیند آموزش‌ها (حضوری ، مجازی ، ...)
- نگرانی در خصوص کمبود و محدودیت امکانات و منابع مالی ، ...
- ملاحظه مفاهیم و محورهای تازه و مهمی چون سبک‌های یادگیری (یادگیری مادام‌العمر ، یادگیری اجتماعی‌عاطفی ، آموزش در خانه ، یادگیری شخصی ، سواد دیجیتالی و آموزش از راه دور ، ...) و مهارت‌ها و هدف‌گذاری‌های جدید موافق با مطالبات روزگار .

- شاخص‌ها و راهکارهای عملکردی معیار برای سنجش و ارزیابی حتی‌المقدور ناسوگیر و شفاف آموخته‌ها و کیفیت آموزش و ابراز بازخوردهای متناسب

- کاربرد روش‌هایی برای توانمندسازی شاگردان و دست‌اندرکاران دستگاه آموزش و پرورش در راستای شناخت و مدیریت چالش‌ها و انتظارات جدید .

- اتخاذ تدریجی مداوم رویکردهای میان‌رشته‌ای و بهره‌مندی از تحقیقات در سایر حوزه‌های علمی و معرفتی جهت طراحی برنامه‌ای مبتنی بر شایستگی

- ریشه‌کنی مداخلات نابجای سیاسی و حضور نامقبول افراد و مراکز نامربوط و ناآگاه در صحنهٔ سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های تربیتی

حال در میانهٔ میدان تعلیم و تربیت ، محققاً و علی‌الاصول معلمان و مربیان نیک‌اندیش و و راهنمایان راست‌کیش ، مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین تأثیرات را در تمام ساحات زندگی خصوصاً حیطه‌های اخلاق و فرهنگ منور انسانی در این قرن و سایر زمان‌ها دارند . منش و شخصیت زاینده و فرخندهٔ آنان ، ولو ندانند و نگویند ، سرمشق نافذی برای معرفی و القای معیارهای ارزشی و اسوه‌ای به منظور پرورش خوی متعالی و صفات والای معنوی است که زیندگی و پابندگی ابعاد گوناگون وجود حیات را زمینه‌سازی می‌نمایند . معلم وارسته و فرهیخته ، بیدارگری است که هویتی فراتر از ارائه‌دهندهٔ محتوای کتاب‌ها در قالب برنامهٔ درسی دارد. هموست که علاوه بر انتقال دانش و مهارت ، الهام‌بخشانه در ساخت شخصیت متعلمان و تشکیل و تحکیم روحیهٔ علم‌آموزی ، خودانگیختگی و تحقیق و جستار فضائل دخالت دارد . او بیش از هر کسی می‌تواند طی بازخوردها و ارتباطات به یادگیرندگان خود نشان دهد که قدر خود و قوای چشمگیرشان را بدانند . وی در هر شکل و رده‌ای ، به منظور تحقق رسالت تعلیمی و تربیتی خود به تعهد ، انگیزه و شور و شوقی وافر نیازمند است.

باید آموزشیاران و پرورشکاران طیف گسترده‌ای از معارف و مهارت‌های پیچیده را دارا بوده ، ویژگی‌های رشدی مخاطبان‌شان را بدانند ، در حیطهٔ فعالیت و در عرصهٔ کاربرد ابزارها و شیوه‌های نوین تدریس و

پرورش تسلط داشته باشند. بتوانند کلاس و فضای آموزشی را اداره نموده، در سازماندهی و منطبق‌سازی مؤلفه‌های حرفه‌ای و تعامل با فراگیران و عوامل و دست‌اندرکاران مختلف به درستی عمل کنند. از



تعصبات و رویه‌ها و نگرش‌ها منسوخ و ناکارآمد احتراز کرده، برای فراهم‌ساختن یک محیط یادگیری بالنده، شاد و بانشاط، معنادار، متمرکز و روحیه‌آفرین آمیخته با احترام، منطق، نظم و قانونمندی، استحکام، همکاری و مشارکت اهتمامی جدی داشته باشند. از فن‌آوری و ظرفیت‌های

جدید برای خدمت به تقویت اعتماد به نفس و نشانگان سلامت روانی و اجتماعی استفاده نمایند و تدابیر و عقلانیت اصولی و علائق درونی را پشتوانه ارتقاء شاخص‌های اخلاقی و فرهنگی، بهبود روابط انسانی، و تعمیق و تداوم روح پژوهشگری، کاوش و ابتکار و کلاً سرمایه‌گذاری در همه جهات ارزشمند و مهار آفات و چالش‌ها سازند.

آموزشگاه‌ها و خصوصاً مربیان و آموزش‌دهندگان مأموریت دارند تا با به‌اشتراک‌گذاشتن تجارب، علوم و نگره‌ها، از فراگیران حمایت کنند تا علم‌آموزان و تجربه‌اندوختنی انعطاف‌پذیر و مادام‌العمر بوده، علاوه بر تحصیل مهارت‌های شناختی و فراشناختی، در مقابل افکار و طرحواره‌های بدیع و کارساز پذیرنده و موافق رفتار نمایند، اهل همدلی، خطرپذیری و جسارت معقول باشند و افق اندیشه و گستره شایستگی شخصیت و

صلاحیت منش خود را در چهارچوب حقوق انسانی و مطالبات جهانی و تاریخی بسط دهند .

حال رواست تا استفاده از بالاترین توانایی‌های خود ، با واقعیات و ضروریات موجود قدری آشتی کرده ، در عوض عصیان در برابر حقیقت ، در پیشگاهش منقاد شده ، به سرنوشت خویش و لزوم اتخاذ تصمیماتی به‌موقع ، بین‌المللی و تاریخی دقیق‌تر اندیشیده ، التزام و رسالت‌مان را در برابر حقوق و کرامت و سعادت بشر به یاد بیاوریم . اینک وقت هم‌آوایی ، هم‌رأیی و هم‌گرایی برای اجابت ندای تاریخ است که ما را به وحدتی جهانی زیر سایهٔ انتظام ، احترام ، تفاهم و تعامل مشترک فرامی‌خواند . اجتماعی که اندیشهٔ ترقی ، علم و فن‌آوری و تغییر مناسبات فراگیر و رویهٔ رشد را نه در خدمت توازن و تکامل تمام مظاهر تحوّل و پیشرفت بشر قرار می‌دهد و هویت عدالت ، اخلاق و اعتلای جوهر انسانی در طریق سعادت بی‌زوال و کمال بی‌مثال را در بطن کلّ تصمیمات تربیتی و بازسازی طرح‌های پرورشی و آموزشی خویش می‌گنجاند .

کسی کو دید قدر و رتبت خویش	بگردد قیمتش در هر قدم بیش
عقاب و موش و ماهی و سمندر	قناری ، قوچ و گربه ، اردک و خر
کبوتر ، خوک و شیر و خرس و آهو	شغال و کرم و زاغ و غاز و زالو
پلنگ و بز ، خَزوک و فیل و کفتار	گراز و آستر و زرافه و مار
گوزن و گورکن ، طاووس و زنبور	سگ و میمون و اسب و روبه و مور
همه اجزائی از فرش وجودند	که حق را جملگی اندر سجودند
نشاید زان میان بخشی‌گزینی	و باقی را درین عالم نبینی
فناپی ده به خامی تا توانی	به بینش راه رو در زندگانی
بین اینک به خوبی قیمت خویش	نیاید تا ز بدبختی ترا نیش
چو قدر خود بدانی در دو عالم	بگردد شوکت همراه و همدم
هر آنکو از خرد سیرت پرداخت	ز اقبالش سرایی جاودان ساخت

کتاب حاضر مشتمل بر مقالاتی گزیده پیرامون برخی از موضوعات تربیتی است که به انتخاب مترجم درآمده و ترجمه شده‌اند . طبعاً خواننده عزیز حق دارد که در پرتو ژرفاندیشی و دقت نظر خویش ، مواضع و آرائی متفاوت از برخی گفته‌ها و اظهار نظرات اتخاذ نماید که قابل احترامند . پیشتر ضمن پوزش از هر گونه قصور و نقصان ناشی از کار اینجانب ، ان شاءالله که اثر پیش‌رو مجموعاً بتواند تا حدی کارساز ، رهنمون و حرکت‌آفرین برای شما بیننده گرامی باشد .

مترجم